

گیلان فردا- شماره ۲۳ تیر ۱۴۰۵

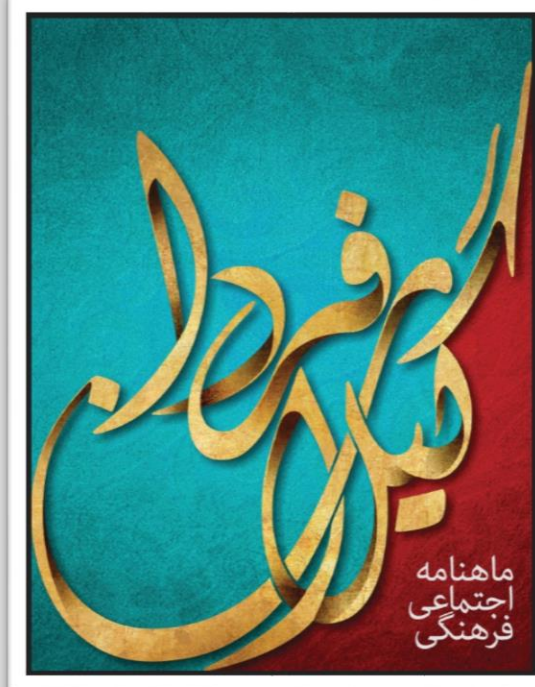
تشییع یک رهبر؛ بدرقه بخشی از حافظه تاریخی یک جامعه

جنگ برای استقلال بود، توافق برای سازندگی است

گیلان؛ سرزمینی با تاریخی فراتر از زمان

کسی باور نمی کند گیلان تا چه اندازه مشکلات دارد

گیلان؛ خانه مشترک ما که باید دوباره سبز بماند





رسانه اجتماعی-فرهنگی گیلان فردا

(شماره ۲۳)

تیر ۱۴۰۵

فهرست:

- تشییع یک رهبر؛ بدرقه بخشی از حافظه تاریخی یک جامعه
- از وداع تا بدرقه؛ روایت حضور مردم در مراسم تشییع
- اقامه نماز بر پیکر مطهر امام مجاهد شهید
- جنگ برای استقلال بود، توافق برای سازندگی است
- گیلان؛ سرزمینی با تاریخی فراتر از زمان
- تأکید استاندار بر استفاده از نان کامل
- ارزش واقعی پول‌های بلوکه شده ایران
- اعتبار برای تکمیل سدهای نیمه تمام استان گیلان
- کسی باور نمی‌کند گیلان تا چه اندازه مشکلات دارد
- اجرای طرح «دهستان سبز»
- گیلان؛ خانه مشترک ما که باید دوباره سبز بماند
- تحلیل اینفو
- سه تحلیل درباره علت حملات اخیر آمریکا به جنوب ایران
- عکس روی جلد: گیلان فردا- رشت «تالاب عینک»
- عکس پشت جلد: گیلان فردا- رشت

دوره جدید مجله اجتماعی-فرهنگی گیلان فردا (آفلاین)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: رقیه (شهلا) ابراهیم زاده اصلی

دارای مجوز به شماره ۷۴۷۳۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

پشتیبان سایت: شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات بیدسان

با تشکر از همکاران گروه تحریریه

Guilanfarda.ir

مسئولیت محتوای مطالب ارسالی به عهده صاحبان و ارسال

کنندگان آثار است.»

تشییع یک رهبر؛ بدرقه بخشی از حافظه تاریخی یک جامعه



گیلان فردا- در آستانه مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی، ایران و منطقه در حال ورود به مرحله‌ای است که بسیاری از تحلیلگران آن را پایان یک دوره تاریخی و آغاز بازتعریف معادلات آینده توصیف می‌کنند. وداع با رهبر شهید، صرفاً وداع با یک شخصیت سیاسی نیست؛ وداع با رهبری است که مفهوم «ایران مقتدر در سایه اسلام» را به عنوان یکی از محورهای اصلی گفتمان رسمی و عملیاتی کشور مطرح کرد.

علی ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور در این خصوص

نوشت: تشییع «رهبر شهید» را نمی‌توان تنها بدرقه یک شخصیت سیاسی یا بزرگداشت وی دانست. این رخداد در سطحی عمیق‌تر، بدرقه بخشی از تجربه تاریخی نسلی است که تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی ایران را از نزدیک زیسته است. در چنین لحظاتی، جامعه نه فقط با یک فرد، بلکه با لایه‌هایی از خاطره تاریخی خود مواجه می‌شود؛ خاطراتی که در دل آن‌ها آرمان‌هایی مانند استقلال، آزادی و مقاومت در برابر سلطه شکل گرفته‌اند و به بخشی از هویت سیاسی جامعه بدل شده‌اند.

در این تشییع، بسیاری از دیدگاه‌های انقلابی، جریان‌های فکری و سیاسی و همچنین چالش‌هایی که میان نظام‌های سلطه‌گرو آرمان‌های استقلال طلبانه و آزادی‌خواهانه شکل گرفته بود، دوباره معنا پیدا می‌کنند. از این منظر، بدرقه «رهبر شهید» را باید فراتر از یک رویداد فردی دانست. این مراسم، در واقع بدرقه بخشی از حافظه تاریخی یک جامعه است؛ حافظه‌ای که پر از فراز و نشیب‌ها، تجربه‌های تلخ و شیرین و تلاش‌های پیوسته برای تحقق آرمان‌هاست.

نسل‌هایی که تجربه‌هایی چون کودتای ۲۸ مرداد، مداخله قدرت‌های خارجی در سیاست ایران و اشکال مختلف وابستگی سیاسی و اقتصادی را لمس کرده بودند، مفاهیمی مانند استقلال و آزادی را صرفاً در قالب شعارهای سیاسی جستجو نمی‌کردند. برای آنان، این مفاهیم پاسخی به تجربه‌های عینی و زیسته از فشارهای خارجی و محدودیت‌های داخلی بود. استقلال برای آن نسل نه یک مفهوم انتزاعی، بلکه نوعی مطالبه تاریخی و بخشی از حافظه اجتماعی جامعه محسوب می‌شد.

در آن دوران بسیاری از مردم احساس می‌کردند که نه تنها منابع و ثروت‌های کشور، بلکه آرزوها و افق‌های زندگی‌شان نیز در سایه نوعی استبدادِ مورد حمایت قدرت‌های خارجی محدود شده است. این تجربه تاریخی، زمینه شکل‌گیری نوعی آگاهی انتقادی در میان بخشی از روشنفکران و فعالان اجتماعی را فراهم کرد؛ آگاهی‌ای که تلاش داشت با طرح ایده‌های تازه و گسترش گفت‌وگوهای اجتماعی، جامعه را به سوی تغییر و

بازتعریف هویت سیاسی خود سوق دهد.

در چنین بستری، چهره‌هایی پدید آمدند که میان اندیشه، مبارزه سیاسی و مسئولیت اجتماعی پیوند برقرار کردند. «رهبر شهید» را می‌توان در زمره همین چهره‌ها دانست؛ نسلی از روشنفکران انقلابی که فعالیت فکری را با نوعی تعهد اخلاقی و اجتماعی همراه کرده بودند. آنان نه تنها در عرصه نظری به طرح دیدگاه‌های خود پرداختند، بلکه در عمل نیز برای تحقق آن هزینه دادند، زندان را تجربه کردند و کوشیدند ارزش‌های آرمان‌گرایانه را در فضای عمومی زنده نگه دارند.

امروز بسیاری از آن چهره‌ها دیگر در میان ما نیستند؛ از مطهری و بهشتی گرفته تا باهنر و طالقانی و بسیاری از فعالان فکری و سیاسی آن دوران. با درگذشت هر یک از این افراد، جامعه در واقع با بخشی از حافظه زنده خود خداحافظی می‌کند؛ حافظه‌ای که نه فقط روایتگر یک دوره تاریخی، بلکه حامل تجربه‌ها، رنج‌ها و امیدهای چند نسل از جامعه است.

با گذشت زمان، یکی از چالش‌های مهم جوامع، انتقال تجربه‌های تاریخی از نسلی به نسل دیگر است. نسل‌های امروز بسیاری از اضطراب‌ها، نگرانی‌ها و فشارهایی را که نسل‌های پیشین در دوران سلطه خارجی یا استبداد تجربه کرده‌اند، به شکل مستقیم لمس نکرده‌اند. به همین دلیل، مفاهیمی مانند استقلال یا مقاومت در برابر سلطه ممکن است برای آنان معنایی متفاوت یا حتی انتزاعی داشته باشد.

ما با سوگ، پیکر رهبری را تشییع می‌کنیم که با آرمان‌ها و افکار خود، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی این سرزمین را از تعرض و چپاول مصون نگه داشت. او با درایت خود «قدرت ملی» تولید کرد؛ قدرتی که در سایه‌ی آن، ایران مقتدر و باثبات، بدون از دست دادن حتی ذره‌ای از خاک خود پا برجا ماند. او نهادهایی را بنیان گذاشت که جوهره‌ی اندیشه‌ی آن‌ها، عدالت و ثبات است؛ میراثی گران‌بها که برای ما، «ایران پر قدرت و باثبات» را به یادگار گذاشت.

(منبع: گیلان امروز)

از وداع تا بدرقه؛ روایت حضور مردم در مراسم تشییع



تشییع شخصیت‌هایی که دامنه تأثیرشان از مرزهای یک کشور فراتر رفته است، روایتی از اهمیت نقش و جایگاه آنان در حافظه جمعی ملت‌ها و فرصتی برای بازخوانی تحولات یک دوره تاریخی است.

از همین منظر، مراسم تشییع رهبری شهید را نمی‌توان صرفاً یک آیین سوگواری دانست. این مراسم، با حضور گسترده مردم و هیأت‌های رسمی از کشورهای مختلف، به رویدادی با ابعاد سیاسی، اجتماعی و منطقه‌ای تبدیل شده است و پیام‌های آن فراتر از برگزاری مراسم تشییع قابل تحلیل است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این مراسم، نمایش ظرفیت همگرایی در منطقه است. در روزگاری که تنش‌ها، جنگ‌ها و بی‌اعتمادی‌ها بر بسیاری از مناسبات منطقه سایه انداخته است، گردهم آمدن شخصیت‌های سیاسی، مذهبی و مردمی از کشورهای مختلف، یادآور این واقعیت است که همچنان می‌توان بر اشتراکات تکیه کرد و از دل آنها، زمینه‌ای برای گفت‌وگو و همکاری ساخت.

پیام این مراسم را باید بیش از هر چیز در مفهوم «وحدت» جست‌وجو کرد؛ وحدتی که به معنای نادیده گرفتن تفاوت

گیلان فردا- بر اساس اخبار و گزارش‌ها و همچنین تصاویر و فیلم‌ها برآوردهای اولیه نشان می‌دهد که مراسم روز دوشنبه وداع با رهبر معظم احتمالاً یکی از رکوردهای تاریخ تشییع در جهان خواهد بود. البته این مراسم به لحاظ گوناگون قابل تفسیر و تحلیل است که کارشناسان متخصص جامع‌شناسی این کار را خواهند کرد.

در طول تاریخ، چهره‌های مشهور زیادی بودند که درگذشت آن‌ها فقط یک تیترو ساده در اخبار نبوده است. بلکه گاه چنین اتفاقاتی تبدیل شده به اتفاقی منطقه‌ای یا جهانی؛ اتفاقی که میلیون‌ها نفر از فرهنگ‌ها، طبقات و باورهای مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به نقل از روزنامه گیلان امروز یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مراسم وداع با آقای شهید ایران، نمایش ظرفیت همگرایی در منطقه است. در روزگاری که تنش‌ها، جنگ‌ها و بی‌اعتمادی‌ها بر بسیاری از مناسبات منطقه سایه انداخته است، گردهم آمدن شخصیت‌های سیاسی، مذهبی و مردمی از کشورهای مختلف، یادآور این واقعیت است که همچنان می‌توان بر اشتراکات تکیه کرد و از دل آنها، زمینه‌ای برای گفت‌وگو و همکاری ساخت.

دیدگاه‌ها نیست، بلکه بر شناخت منافع مشترک و تلاش برای حفظ ثبات و آرامش منطقه استوار است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که هرگاه اختلاف‌ها به تقابل و شکاف تبدیل شده، فرصت برای مداخله قدرت‌های خارجی نیز افزایش یافته است. در مقابل، هر زمان کشورهای منطقه توانسته‌اند بر نقاط مشترک خود تأکید کنند، امکان حل مسائل از مسیر گفت‌وگو و همکاری نیز بیشتر شده است.

برگزاری بخش مهمی از این مراسم در عراق نیز حامل پیامی روشن است. عراق امروز تنها یک همسایه برای جمهوری اسلامی ایران نیست؛ بلکه حلقه‌ای مهم در پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی ملت‌های منطقه به شمار می‌آید. حضور مردم عراق و استقبال از هیأت‌های خارجی، نشان می‌دهد روابط میان ملت‌ها، سرمایه‌ای ماندگارتر از مناسبات رسمی دولت‌هاست و می‌تواند پشتوانه‌ای برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای باشد. ضمن اینکه چنین مناسبت‌هایی ظرفیت دیپلماسی را نیز تقویت می‌کنند. حضور مقام‌ها و هیأت‌های سیاسی در کنار یکدیگر، فرصت مناسبی برای رایزنی، تبادل نظر و نزدیک‌تر شدن دیدگاه‌ها درباره مسائل مشترک فراهم می‌آورد. در شرایط کنونی، هر فرصتی که بتواند به کاهش سوءتفاهم‌ها، افزایش تعامل و تقویت همکاری میان کشورهای منطقه کمک کند، باید مغتنم شمرده شود.

از سوی دیگر، آیین‌های تشییع شخصیت‌های اثرگذار، فرصتی برای بازخوانی اندیشه‌ها و میراث آنان و تجلیل از مقام تاثیرگذار آنان نیز هست. ملت‌ها با بزرگداشت چهره‌های تأثیرگذار خود، در واقع بخشی از حافظه تاریخی

و هویت جمعی‌شان را زنده نگه می‌دارند و فرصت می‌یابند درباره آرمان‌ها، اندیشه‌ها و درس‌هایی که از آن تجربه‌ها بر جای مانده، گفت‌وگو کنند. مراسم‌های این‌چنینی، اگر با نگاهی آینده‌نگر همراه باشد، می‌تواند به جای آنکه تنها یادآور گذشته باشد، زمینه‌ای برای تأکید دوباره بر ارزش‌هایی همچون وحدت، گفت‌وگو، مسئولیت‌پذیری و تلاش برای ساختن آینده‌ای باثبات‌تر فراهم آورد.

آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، استفاده از این مناسبت‌ها برای تأکید بر ارزش‌هایی است که می‌تواند آینده‌ای آرام‌تر و باثبات‌تر برای منطقه رقم بزند؛ ارزش‌هایی همچون گفت‌وگو، عقلانیت، احترام متقابل، همزیستی و همکاری. دولت نیز از آغاز فعالیت خود، بر سیاست وفاق، تعامل و گسترش روابط با همسایگان تأکید داشته است. در همین چارچوب، هر رویدادی که بتواند به نزدیک‌تر شدن ملت‌ها، تقویت همگرایی و گسترش گفت‌وگوهای منطقه‌ای کمک کند، ظرفیتی ارزشمند برای پیشبرد صلح و ثبات خواهد بود.

شاید مهم‌ترین درس این بدرقه تاریخی نیز همین باشد؛ اینکه منطقه بیش از هر زمان دیگری به زبان تفاهم نیاز دارد و اگر مراسم بدرقه رهبری شهید و استوار ایران عزیز بتواند یادآور چنین ضرورتی باشد، آنگاه کارکرد آن از یک آیین سوگواری فراتر خواهد رفت و به نمادی از امید برای آینده‌ای مبتنی بر همکاری، همگرایی و وحدت تبدیل خواهد شد.

اقامه نماز بر پیکر مطهر امام مجاهد شهید حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای و شهدای خانواده ایشان



گیلان فردا- آیت الله جعفر سبحانی با حضور میلیونی امت عزادار در مصلى امام خمینی(ره) بر پیکر مطهر رهبر مجاهد شهید حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیة) و خانواده ایشان نماز اقامه کرد.

به گزارش خبرنگار سیاسی ایرنا، نماز میت بر پیکر آقای شهید ایران و اعضای خانواده ایشان، صبح یکشنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۵، به امامت آیت الله سبحانی و با حضور پرشور مردم، سه فرزند رهبر شهید انقلاب، مسئولان، فرماندهان نیروهای مسلح و شخصیت‌های داخلی و خارجی در مصلى امام خمینی(ره) تهران اقامه شد.

نماز بر پیکر رهبر شهید و خانواده ایشان سه بار اقامه می‌شود؛ در نوبت نخست، نماز بر پیکر مطهر رهبر شهید، حضرت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای (قدس الله نفس الزکیه) و در نوبت دوم، نماز بر پیکر شهید سیده بشری حسینی خامنه‌ای، شهید مصباح‌الهدی باقری و شهید زهرا حدادعادل و در نوبت سوم نیز نماز بر پیکر زهرا محمدی گلپایگانی، نوه رهبر شهید، اقامه خواهد شد.

آیین وداع با آقای شهید ایران که در ۹ اسفند ۱۴۰۴ و در جریان حمله وحشیانه و تروریستی دشمن آمریکایی - صهیونیستی به فیض رفیع شهادت نایل آمدند از نخستین ساعات روز شنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۵ در مصلى بزرگ امام خمینی(ره) تهران آغاز شد، رویدادی بزرگ و تاریخی که با حضور گسترده و پرشور ملت فهیم و بصیر ایران اسلامی علاوه بر میعادگاهی برای آخرین وداع با قائد شهید امت،

تجدید میثاقی دوباره با آرمان‌های والای امامین انقلاب، اسلام، انقلاب و شهیدان و نمادی از وفاداری ملت به عزت، استقلال و مقاومت این سرزمین الهی است.

مراسم وداع با پیکر مطهر امام شهید امت و شهید دکتر مصباح‌الهدی باقری کنی، شهید سیده بشری خامنه‌ای، شهید زهرا حداد عادل و شهید زهرا محمدی گلپایگانی تا عصر یکشنبه در مصلى امام خمینی (ره) ادامه خواهد داشت و پیکر مطهر آقای شهید ایران و خانواده ایشان روز دوشنبه ۱۵ تیرماه ۱۴۰۵ در پایتخت تشییع خواهد شد.

مراسم تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب، روز سه‌شنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۵ در شهر مقدس قم و روز پنج‌شنبه ۱۸ تیرماه ۱۴۰۵ در مشهد مقدس تشییع و در حرم ملکوتی امام رضا (ع) به خاک سپرده می‌شود. مراسم ویژه وداع و تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب نیز روز چهارشنبه ۱۷ تیر در شهرهای نجف و کربلا نیز برگزار خواهد شد.

جنگ برای استقلال بود، توافق برای سازندگی است



گیلان فردا- معتقد است اگر اسیر این کلیشه ذهنی باشیم که دشمن نماد «شیاطین و اجنه» است، و این جنگ، جنگ حق و باطل است، دیگر امکان درک مذاکره به مثابه ابزار پایان دادن به جنگ و تجاوز و امکان درک توافق به مثابه فرصت آغاز بازسازی کشور وجود ندارد، چون با این استعاره دوگانه، هرگونه توافقی خیانت و به معنای آشتی با ظلمت و جبهه باطل است.

به نقل از عصر ایران؛ در چند هفته اخیر، با وجود همه توصیه‌ها به لزوم اتحاد و همبستگی ملی در شرایط جنگی، دوگانه جنگ یا مذاکره داغ بود و بخشی از جامعه‌ی فعال و در صحنه‌ی کشور را مقابل هم قرار می‌داد. حالا این تقابل به موافقان و مخالفان توافق تبدیل شده است. اما چرا جنگ و مذاکره و مسالهی توافق به عرصه‌ی تقابلی چنین جدی و به اصطلاح ناموسی تبدیل می‌شود.

هانس بلومبرگ فیلسوف آلمانی که علاوه بر فلسفه در حوزه‌های تاریخ اندیشه و تاریخ مفاهیم هم کار کرده است، می‌گوید: «اسطوره و استعاره صرفاً مفاهیمی مربوط به ادبیات نیستند بلکه ساختارهای شناخت ما را می‌سازند؛ و ملاک‌های قضاوت و کلیشه‌ها و ذهنیت‌های جمعی را فرم می‌دهند.»

ساختار بنیادین قضاوت جمعی ما در مورد جنگ و مذاکره هم در چارچوب استعاره‌هایی شکل گرفته است. این استعاره‌ها را باید شناخت و چارچوب‌ها و کلیشه‌های ذهنی شکل گرفته بر اساس این استعاره‌ها را باید نقد کرد و به قضاوت عمومی گذاشت.

جنگ و مذاکره در جامعه ایرانی در بستر دوگانه‌ی خیر و شر؛ نور و ظلمت؛ و یا حق و باطل تعریف می‌شود و چون یک طرف حق است و نور و در مقابل ظلمت و تباهی، از این رو جنگ اساساً امری شبه مقدس شناخته می‌شود.

«من رزمنده هستم» و دیپلمات و اهل مذاکره نیستیم در فضای فرهنگی که ذیل این استعاره‌ی دوگانه حق و باطل ساخته می‌شود به این معناست که من انسانی شریف و طرف نور هستم و نه اهل سازش با باطل.

این استعاره‌ی تقابل حق و باطل، چنان فضای ذهنی می‌سازد که دیگر جنگ به عنوان امری بر سر کسب منافع بیشتر برای قدرتها قابل درک نیست.

طرف مقابل، دشمنی نیست که برای زیاده خواهی یا منافع خودش تجاوز می‌کند و می‌جنگد بلکه «صف شیاطین واجنه» هستند در مقابل نور و حقیقت. از همین رو در جامعه ما آنها که در لباس رزم هستند، شبه مقدس هم می‌شوند اما آنها که دیپلمات هستند، مستعد هستند که خائن باشند چون کارشان مذاکره است و احیاناً سازش با ظلمت و تاریکی.

در چنین زمینه و بستری است که می‌بینیم حتی لبخند زدن یک وزیر امور خارجه با طرف مذاکره (چیزی که از آداب معمول دیپلماتیک به شمار می‌رود) مورد سرزنش و شماتت قرار می‌گیرد چون طرف مقابل ذیل این استعاره، ظلمت و باطل تعریف شده است و نه دشمنی که برای توسعه منافع خودش و کنترل و مهار توسعه طلبی رقیب اقتصادی‌اش وارد جنگ شده است و لذا توافقی که امکان بهبود روابط برای رشد اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری و فرصت‌سازی را حداقل فعلاً روی کاغذ می‌تواند مهیا کند محکوم و مردود می‌شود. همین توافقی که براندازان را دلسرد و انتقادات جدی را متوجه ترامپ کرده است، در داخل به جای اینکه منشاء امید و نشاط پس از ایستادگی باشد، باعث مخالف خوانی‌های تند و مواضع عجیب می‌شود.

آنچه کمک می‌کند تا مواضع مخالفان توافق بر دل بخشی از جامعه بنشینند همین چارچوب ذهنی است که ذیل این استعاره‌ها و اسطوره‌ها ساخته شده‌اند که تماماً موید جهان سفید و سیاه است: جهان به مثابه منازعه نور و ظلمت، حق و باطل.

این ذهنیت که از ایده «مذاکره نکنیم چون طرف مقابل قابل اعتماد نیست» دفاع می‌کرد هم متأثر از همین دست استعاره‌ها است. بدیهی است که امریکا و چین هم طبیعتاً هیچ اعتمادی به هم ندارند اما با هم مذاکره می‌کنند و بر مبنای منافع‌شان همکاری بسیار گسترده‌ای هم دارند؛ چون طرف مقابل رقیب تعریف می‌شود و مساله، مذاکره بر سر منافع است.

اما این استعاره‌ی دوگانه به شدت فهم واقعیت را در دو قطب متضاد مطلق سیاه و سفید ساده‌سازی می‌کند و عموم جامعه را از فهم پیچیدگی‌های تفسیر جنگ بر سر منافع متجاوز و از منظر رقابت قدرتهای جهانی رها می‌سازد. از همین روست که می‌بینیم نیروی سیاسی افراطی می‌گوید «از مردم در میدان سوال کنید.»

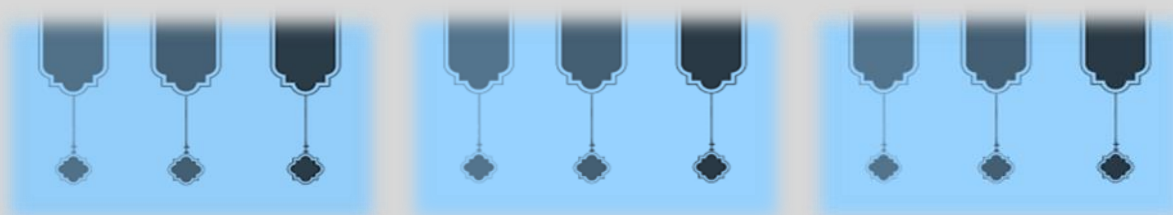
غافل از اینکه در هیچ کجای دنیا تصمیم‌گیری در موضوع جنگ و سیاست خارجی کشور را از مردم میدان سوال نمی‌کنند. ستایش غیرت و شور و ایستادگی مردمی که برای ایران در میانه‌ی میدان ایستاده‌اند به جای خود اما اینجا مساله، تصمیم‌گیری در مورد موضوعی به شدت پیچیده و چند بعدی است.

این طبیعی است که عموم مردم اطلاع دقیقی از میزان اهمیت محاصره دریایی بر اقتصاد کشور نداشته باشند یا از تعداد کارخانه‌های مهمی که در این تجاوز تخریب شده‌اند اما سوء استفاده از این بی‌اطلاعی و این شور انقلابی و میهنی مردم در میدان هم غیر اخلاقی و هم مغایر با منافع ملی است. بازسازی واقعیت ذیل این دست استعاره‌ها و اسطوره‌ها، امکان درک واقعیت جنگ را نمی‌دهد.

مساله این نیست که آنکه تجاوز می‌کند دشمن است و باید در مقابل دشمن ایستاد و جنگید و این مقاومت را ستود. مساله چارچوب ذهنی ما و نوع نگاهی است که به موضوع داریم. اگر بپذیریم که دشمن نیروی متجاوز است که برای منافعش لشکرکشی می‌کند، آن وقت پس از ایستادگی و مقاومت، می‌توان پذیرفت که توافق برای پایان جنگ و پس‌زدن دشمن متجاوز و آغاز بازسازی، یک پیروزی به شمار می‌رود. اما اگر اسیر این کلیشه ذهنی باشیم که دشمن نماد «شیاطین و اجنه» است، و این جنگ، جنگ حق و باطل است، دیگر امکان درک مذاکره به مثابه ابزار پایان دادن به جنگ و تجاوز و امکان درک توافق به مثابه فرصت آغاز بازسازی کشور وجود ندارد، چون با این استعاره دوگانه، هرگونه توافقی خیانت و به معنای آشتی با ظلمت و جبهه باطل است.

مساله این است که بپذیریم جنگ برای دفاع از استقلال کشور بود و نه نابودی جبهه‌ی باطل و اشقیای عالم و از این منظر توافق به مثابه فرصت بازسازی کشور است.

(منبع: عصر ایران؛ امید جهانشاهی)



گیلان؛ سرزمینی با تاریخی فراتر از زمان



گیلان فردا- شهلا ابراهیم زاده اصلی- با توجه به اسناد و مدارک، نقش گیلانیان در دوره های مختلف تاریخی کشورمان بر کسی پوشیده نیست ولی متأسفانه کمتر به جزئیات آن پرداخته شده است. توجه به نقش گیلانیان در تغییرات فکری و اجتماعی جامعه بسیار مهم است، چون مدرنیته در گیلان نسبت به سایر مناطق ایران دارای تفاوت های اساسی بوده است.

به منظور تبیین نتایج طرح های پژوهشی انجام پذیرفته توسط دستگاه های اجرایی استان و بهره مندی کارشناسان از یافته های جدید پژوهشی، اولین نشست پژوهش محور سال ۱۴۰۵ با موضوع " تبیین نقش تاریخی گیلان در مناسبات ملی و منطقه ای یکصد سال اخیر " که توسط حوزه هنری استان گیلان انجام شده است، روز سه شنبه (۲ تیر) با حضور اساتید و پژوهشگران در سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان برگزار شد.

دکتر عباس پناهی، عضو هیات علمی دانشگاه گیلان سخنران این نشست پژوهشی، با تأکید براینکه اگر جامعه ای می خواهد برای فردای خود برنامه داشته باشد باید برای دانش تاریخ جایگاه ویژه ای تعریف کند، تأکید کرد: تاریخ هویت سازی می کند و قبل از هر چیز باید از هویت خودمان اطلاع داشته باشیم.

وی ادامه داد: تاریخ می تواند هویت بخش باشد البته آن گونه که هست، نه آن گونه که من می خواهیم.

وی با اعتقاد بر اینکه تاریخ به زبان ساده برای مخاطب عام کمتر روایت شده است، به تاریخ پر بار گیلانیان اشاره کرد و گفت: با توجه به اسناد و مدارک، نقش گیلانیان در دوره های مختلف تاریخی کشورمان بر کسی پوشیده نیست ولی متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده است.

پناهی گفت: با وجود این که آثار پژوهشی و تک نگاری های متعددی در قالب کتاب، مقاله و پایان نامه درباره تاریخ و فرهنگ

گیلان نگارش شده است، اما تاکنون اثری پژوهشی و مستند که ضمن بررسی تاریخ گیلان به بررسی میزان تاثیرگذاری

گیلانیان بر ساختارهای فکری، فرهنگی و اجتماعی ایران و مناسبات ملی و منطقه ای آنپردازد، انجام نشده است.

وی ادامه داد: در پژوهش حاضر ضمن ساختار بندی و تفکیک دوره های تاریخی گیلان، میزان تاثیرگذاری گیلانیان بر فرآیندهای فکری و تاریخی ایران نیز مورد بررسی قرار گرفته شده است.

این عضو هیات علمی با بیان اینکه در برهه های مختلفی از تاریخ کهن این سرزمین، گیلانیان نقشی انکار ناپذیر در پیچ و خم های تاریخی و فکری ایران داشتند، اظهار کرد: اما به جزئیات این نقش آفرینی کمتر توجه شده است. تاثیر جغرافیای طبیعی بر خلیقات مردم گیلان، نقش آفرینی آن ها در تحولات تاریخی و بازتاب آن در متون تاریخی، ادبی و اسناد آرشیوی، همگرایی و واگرایی گیلانیان با دیگر اقوام داخلی و خارجی و سایر شاخصه هایی که هویت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی این سرزمین را تشکیل داده و از سوی دیگر تاثیرات فرامنطقه ای این شاخصه ها، مورد واکاوی قرار نگرفته است.

وی ادامه داد: گستره تاریخی گیلان از آل بویه تا پایان دوره قاجار، محور و تمرکز پژوهش حاضر است و یکی از مهمترین موضوعاتی که در پژوهش فوق مورد مطالعه دقیق قرار گرفته، نقش گیلانیان در تغییرات فکری و اجتماعی عصر مدرنیته است. چون مدرنیته در گیلان با سایر مناطق ایران دارای تفاوت های اساسی بوده است. این تمایز تحت تاثیر جغرافیا و اقلیم، آب و هوا، خلیقات و همچنین تاثیر پذیری از اقوام قفقازی بوده، به گونه ای که می توان گفت یکی از مهمترین ویژگی فکری این دوره تاریخ فکری گیلانیان، رادیکالیزم بوده است. و این بُعد از ویژگی اجتماعی و فکری گیلانیان بر ساختار فکری و اجتماعی ایران معاصر تاثیر گذار بوده که از اهمیت زیادی برخوردار است.

وی هدف از انجام این پژوهش را بررسی میزان تاثیر گذاری برجسته گیلانیان بر تحولات فکری و اجتماعی ایران از کهن ترین دوران تا دوره مدرنیته عنوان کرد و گفت: پژوهش فوق به روش مطالعات تاریخی و داده های تحقیق به شیوه توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

لازم به ذکر است این پژوهش در چند فصل و هر فصل شامل بخش های مختلف موضوعی به تبیین نقش تاریخی گیلان در مناسبات ملی و منطقه ای یکصد سال اخیر پرداخته است.

در فصل اول؛ جغرافیای گیلان از دوره باستان تا عصر پهلوی، در فصل دوم؛ طوایف و اقوام باستانی تالش، گیل و دیلم، در فصل سوم؛ جغرافیای تاریخی گیلان و در فصل چهارم؛ اوضاع تاریخی گیلان از عصر باستان تا دوره پهلوی مورد بررسی قرار گرفته است.



گیلان به سمت سلامت محوری / تأکید استاندار بر استفاده از نان کامل



گیلان فردا- گسترش فرهنگ تغذیه سالم، کاهش تلفات جاده‌ای، اجرای نظام ارجاع و پزشک خانواده و توسعه اقدامات پیشگیرانه، چهار محور اصلی سیاست‌های سلامت در گیلان است؛ محورهایی که به گفته استاندار، مستقیماً با کیفیت زندگی مردم و کاهش هزینه‌های درمان ارتباط دارد.

•

دکتر هادی حق‌شناس، استاندار گیلان در نشست مجمع سلامت استان با تأکید بر اینکه تامین سلامت تنها به عهده نظام درمان نیست، اظهار کرد: ارتقای سلامت جامعه زمانی محقق می‌شود که همه دستگاه‌های اجرایی، نهادهای عمومی، رسانه‌ها و مردم در کنار یکدیگر قرار گیرند و پیشگیری را به اولویت نخست تبدیل کنند.

وی با اشاره به اینکه گیلان با وجود برخورداری از منابع طبیعی فراوان همچنان با چالش آب مواجه است، افزود: استانی که سالانه حدود هزار میلی‌متر بارندگی دارد، نباید با کمبود آب روبه‌رو باشد و مدیریت صحیح منابع آبی، یکی از پیش‌نیازهای سلامت و توسعه پایدار استان است.

حق‌شناس سپس با اشاره به آمار بالای تلفات جاده‌ای در کشور گفت: سالانه نزدیک به ۲۰ هزار نفر در تصادفات جان خود را از دست می‌دهند؛ آماري که علاوه بر خسارت‌های جبران‌ناپذیر انسانی، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی سنگینی نیز به کشور تحمیل می‌کند.

وی تأکید کرد: ارتقای ایمنی راه‌ها، استفاده از خودروهای استاندارد و کاهش خطاهای انسانی باید همزمان مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه حفظ جان مردم، مهم‌ترین سرمایه هر جامعه است.

استاندار گیلان همچنین حمایت از استفاده از خودروهای ایمن تر را اقدامی مؤثر در کاهش مصرف سوخت، کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی و افزایش رضایت عمومی دانست و گفت: تصمیم‌گیری در این حوزه باید بر پایه منافع عمومی و نگاه کارشناسی انجام شود.

حق‌شناس با اشاره به اجرای نظام ارجاع و پزشک خانواده اظهار کرد: آینده نظام سلامت در گرو پیشگیری است. هر اندازه بیماری‌ها زودتر شناسایی یا از بروز آن‌ها جلوگیری شود، هزینه‌های درمان کاهش یافته و کیفیت خدمات سلامت افزایش خواهد یافت.

نان کامل باید به سفره خانواده‌ها و بیمارستان‌ها برسد

استاندار گیلان با اشاره به شیوع بالای فشار خون و دیابت در استان، اصلاح الگوی تغذیه را یکی از مؤثرترین راهکارهای کنترل بیماری‌های غیرواگیر دانست و گفت: توسعه تولید و مصرف نان کامل باید به یک سیاست جدی در استان تبدیل شود. وی افزود: این هدف تنها با همکاری دانشگاه علوم پزشکی، دستگاه‌های اجرایی، نانوبی‌ها و رسانه‌ها محقق خواهد شد و لازم است بخشی از سهمیه آرد نانوبی‌ها به تولید نان کامل اختصاص یابد.

حق‌شناس همچنین پیشنهاد کرد بیمارستان‌های دولتی نیز از نان کامل در وعده‌های غذایی بیماران استفاده کنند تا ضمن ترویج فرهنگ تغذیه سالم، الگوی مصرف این محصول در جامعه گسترش یابد.

وی با بیان اینکه بسیاری از بیماری‌های مزمن ریشه در سبک زندگی و تغذیه نامناسب دارند، خاطرنشان کرد: سرمایه‌گذاری در پیشگیری و اصلاح تغذیه، به‌مراتب کم‌هزینه‌تر و اثربخش‌تر از درمان بیماری‌هاست.

استاندار گیلان در ادامه با اشاره به روند کاهش رشد جمعیت، توسعه ورزش همگانی، ترویج سبک زندگی سالم و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه را از ضرورت‌های امروز جامعه برشمرد و بر استمرار این سیاست‌ها تأکید کرد

وی در پایان سلامت و امنیت را دو پایه اصلی توسعه پایدار دانست و گفت: هر اندازه جامعه‌ای سالم‌تر باشد، مسیر توسعه آن نیز هموارتر خواهد بود و این هدف تنها با هم‌افزایی همه دستگاه‌ها و مشارکت آگاهانه مردم محقق می‌شود.

•

لازم به یادآوری است بهترین نانی که از آرد گندم می‌توان تهیه کرد نان کامل است.

نان کامل از آردی تهیه می‌شود که هر سه بخش دانه گندم (سبوس، جنین، آندوسپرم) در آن حفظ می‌شود و چنین نانی از پروتئین، کلسیم، آهن و ویتامین بالایی برخوردار می‌باشد.

آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران چه اثری بر اقتصاد خواهد داشت؟

ارزش واقعی پول‌های بلوکه شده ایران چقدر است



گیلان فردا- درحالی که نشانه‌های تازه‌ای از پیشرفت مذاکرات مربوط به آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران دیده می‌شود، بار دیگر این پرسش در محافل اقتصادی مطرح شده است که دلارهای آزادشده چگونه باید هزینه شوند؟ آیا تزریق این منابع به بازار ارز می‌تواند به مهار تورم و آرامش بازارها کمک کند یا آنکه تکرار سیاست‌های کوتاه‌مدت و ارزپاشی، این فرصت را نیز به سرنوشت منابع ارزی سال‌های گذشته دچار خواهد کرد؟ ارزش واقعی دارایی‌های آزادشده نه در کاهش مقطعی نرخ ارز، بلکه در نحوه مدیریت و هدایت آنها به سمت تقویت تولید، افزایش ذخایر ارزی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر شوک‌های خارجی نهفته است. چه اینکه اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر تحت تأثیر تحریم‌های مالی و بانکی با محدودیت‌های جدی در دسترسی به منابع ارزی خود مواجه بوده است.

دارایی‌های بلوکه‌شده کجاست؟

برآوردهای رسمی و غیررسمی از حجم دارایی‌های مسدودشده ایران متفاوت است و ارقام مطرح‌شده از حدود ۲۴ میلیارد دلار تا بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار متغیر است. بخش عمده این منابع در چین، عراق، کره جنوبی، هند، ژاپن، عمان و برخی مراکز مالی بین‌المللی نگهداری می‌شود. چین بزرگ‌ترین محل نگهداری منابع ارزی ایران به شمار می‌رود. همچنین عراق بابت واردات گاز و برق بدهی قابل توجهی به ایران دارد. بخشی از منابع ایران در کره جنوبی نیز طی سال‌های گذشته به حساب‌هایی در قطر منتقل شد؛ منابعی که همچنان نحوه استفاده از آنها با محدودیت‌های خاصی همراه است.

آزادسازی دلارها با اراده ایران

برخی مقام‌های آمریکایی، ازجمله معاون رئیس‌جمهور آمریکا در دولت ترامپ، به تازگی ادعا کرده که هرگونه استفاده از این منابع باید با تأیید طرف‌های ناظر انجام شود. این ادعا بیش از آنکه جنبه واقعیت داشته باشد، یک ترفند برای فشار به تیم

مذاکره‌کننده ایرانی است و انتظار می‌رود در روند مذاکرات اراده ایران بر روند دسترسی و استفاده از دلارهای آزاد شده حاکم شود. چنین دستاوردی برای ایران حکم برگ برنده خواهد داشت و می‌تواند مسیر برداشته شدن تحریم‌ها را هموار سازد و به این ترتیب دلارهای بلوکه شده پس از آزاد شدن می‌تواند با مدیریت صحیح و منطقی در مسیر ثبات اقتصادی هزینه شود.

ارز در انحصار بانک مرکزی

عبدالنصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد که یادداشت‌های لازم در چارچوب تفاهات انجام شده به امضا رسیده و امکان استفاده تدریجی از این منابع براساس دستورالعمل‌های بانک مرکزی فراهم خواهد شد. او تأکید کرده که دارایی‌های بلوکه شده در اصل متعلق به ذخایر ارزی کشور است و نباید به عنوان منابع بودجه‌ای دولت تلقی شود. از نگاه بانک مرکزی، این منابع باید در خدمت تقویت ذخایر ارزی، مدیریت بازار ارز و افزایش تاب‌آوری اقتصاد قرار گیرد. همتی همچنین از عملیاتی شدن معافیت‌های مرتبط با صادرات نفت و پتروشیمی سخن گفته و معتقد است کاهش هزینه‌های ناشی از تحریم می‌تواند دسترسی ایران به درآمدهای ارزی را تسهیل کند.

تأثیر بر بازار ارز و تورم

نخستین اثر آزادسازی منابع ارزی در بازار ارز نمایان خواهد شد. افزایش ذخایر در اختیار بانک مرکزی قدرت مداخله سیاستگذار پولی را بالا می‌برد و می‌تواند از جهش‌های ناگهانی نرخ ارز جلوگیری کند. این موضوع به کاهش انتظارات تورمی نیز کمک خواهد کرد. با این حال تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که کاهش نرخ ارز ناشی از تزریق منابع ارزی، اگر با اصلاحات ساختاری همراه نباشد، پایدار نخواهد بود. اقتصاد ایران بارها تجربه کرده است که ارزهای حاصل از فروش نفت یا منابع آزاد شده صرف کنترل موقت بازار شده اما پس از پایان منابع، فشارهای تورمی و ارزی بار دیگر بازگشته است.

فرصت‌سوزی و ارز پاشی، ممنوع

آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده ایران بدون تردید یک فرصت مهم برای اقتصاد کشور محسوب می‌شود؛ فرصتی که می‌تواند به کاهش فشار ارزی، تأمین کالاهای اساسی، افزایش ذخایر بانک مرکزی و آرامش نسبی بازارها منجر شود. اما تجربه سال‌های گذشته یک پیام روشن دارد: دلارهای آزاد شده زمانی به رشد اقتصادی و مهار پایدار تورم کمک خواهند کرد که به جای ارزپاشی و مصرف کوتاه‌مدت، در خدمت افزایش تاب‌آوری اقتصاد، تقویت تولید و اصلاح ساختارهای اقتصادی قرار گیرند. در غیراین صورت، این منابع نیز تنها یک تنفس کوتاه‌مدت برای اقتصادی خواهد بود که همچنان با چالش‌های مزمن خود دست‌وپنجه نرم می‌کند.

(منبع: همشهری - رضا کربلایی)

درخواست تامین اعتبار برای تکمیل سدهای نیمه تمام استان گیلان



گیلان فردا- وابستگی ۷۰ درصدی منابع آبی گیلان به خارج از استان و پایین بودن ظرفیت ذخیره سازی در بارش های خود استان گیلان و محدودیت های شدید در مدیریت منابع آبی در شرق و غرب استان، لزوم در اولویت قرار دادن تخصیص سال ۱۴۰۵ و لایحه بودجه سال ۱۴۰۶ بابت تکمیل سدهای نیمه تمام استان گیلان را دوصد چندان می کند.

• به گزارش واحد روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان موضوع خودکفایی در تامین غذا در کشور بسیار مهم بوده و اهمیت این امر در جنگ تحمیلی اخیر به وضوح آشکار شده به گونه ای که تولید محصولات کشاورزی نقش قابل ملاحظه ای در امنیت غذایی کشور دارد. در این میان استان گیلان با اقلیم خاص خود از گذشته های بسیار دور به عنوان یکی از قطب های اصلی کشاورزی کشور شناخته شده است. اما در سال های اخیر موضوع تامین آب برای فعالیت های کشاورزی همواره به عنوان یکی از دغدغه ای استان بوده چرا که به رغم تصور بارش های مناسب در استان، عمده فعالیت های کشاورزی از طریق مهار آب های سطحی از حوضه های آبی خارج از استان (سد سفید رود) تامین می شود که با توجه به خشکسالی های اخیر در کشور و افزایش برداشت آب در بالادست، ورودی آب به استان به شدت کاهش یافته و تامین آب برای فعالیت های کشاورزی را با چالش جدی مواجه کرده است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر آشکار می شود که برخی نقاط گیلان به عنوان یکی از پربارش ترین استان های کشور، با مشکل حاد تامین آب شرب هم مواجه شده و با گذشت زمان و کم شدن تدریجی میزان بارش ها به علت تغییر اقلیم از یک طرف و افزایش تعداد مهاجران و مسافران ورودی به استان از طرف دیگر، علاوه بر تامین آب کشاورزی، موضوع تامین آب شرب نیز به عنوان یکی دیگر از چالش های استان مطرح است.

در همین راستا رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان به همراه تیمی از گیلان با شرکت در جلسه ای که از سوی سازمان و با حضور آقایان مهندس ابراهیم نیا، رئیس محترم امور آب، کشاورزی و محیط زیست سازمان برنامه و بودجه کشور، دکتر هادی حق شناس، استاندار محترم گیلان و مهندس غراوی، معاون محترم امور عمرانی استانداری گیلان در تهران هماهنگ شده بود، پیگیر رفع موانع و حل مسایل مربوطه شدند.

علیرضا نورانی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان با ارایه گزارش مرتبط به رئیس محترم امور آب، کشاورزی و محیط زیست سازمان برنامه و بودجه کشور، ضمن واکاوی و بررسی شاخص های مرتبط با موضوع آب کشاورزی و آب شرب در استان گیلان، مسایل مرتبط را مورد مذاقه قرار داده و پیگیر رفع مشکلات هستند.

در این جلسه نورانی، ضمن ارایه گزارشی در خصوص وضعیت پروژه های آبی استان در خصوص ساختمان سد پلرود، ساختمان سد شفارود، تکمیل ساختمان سد دیورش و همچنین ساختمان سد مخزنی شهر بیجار، توضیحاتی ارایه و تاکید کرد: به شدت نیازمند تامین اعتبار بابت تکمیل سدهای نیمه تمام استان گیلان هستیم.

وی چاره اندیشی قبل از بروز هر مشکلی را بسیار مهم خوانده و چگونگی مدیریت برای گذر از بحران را فقط در زمان وقوع مشکل و حادثه ندانست و افزود: مدیریت ریسک و پایداری یعنی پیش بینی مشکل و برنامه ریزی برای حل آن تا پیامدهای به مراتب کمتری به همراه داشته باشد.

نورانی، استان پر بارشی مثل گیلان، که نیازمند سرچشمه آب رودخانه های سایر استان های همجوار است را در شأن استان ندانسته و از رئیس امور آب، کشاورزی و محیط زیست سازمان برنامه و بودجه کشور درخواست کرد با در نظر گرفتن وابستگی ۷۰ درصدی منابع آبی به خارج از استان و پایین بودن ظرفیت ذخیره سازی در بارش های خود استان گیلان و محدودیت های شدید در مدیریت منابع آبی در شرق و غرب استان، موارد فوق جزء اولویت های تخصیص سال ۱۴۰۵ و لایحه بودجه سال ۱۴۰۶ قرار گیرد.



کسی باور نمی کند گیلان تا چه اندازه مشکلات دارد

وضعیت فاضلاب رشت در شأن مردم فهیم و فرهیخته این شهر نیست



گیلان فردا- سرسبزی نمای دیگری به گیلان می دهد و موجب می شود مسایل و مشکلات اینجا از دید مسئولان کشوری مغفول بماند. این بدین معنی است که مردم گیلان با سیلی صورت خود را سرخ نگه می دارند و به بیان دیگر با فروش زمین کشاورزی یعنی با از دست دادن سرزمین شان، خود را سرپا نگه می دارند و این اصلا زبینه مردم فرهیخته گیلان نیست. این وظیفه ما است که تصویر واقعی گیلان را ارایه دهیم و با هم افزایی در راستای کاهش مشکلات استان گیلان بکوشیم.

•

علیرضا نورانی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان در جلسه سی و هفتم کمیسیون رودخانه ها با اشاره به سرسبزی گیلان، گفت: کسی باور نمی کند گیلان تا چه اندازه مشکلات دارد. همه سرسبزی استان گیلان را فقط می بینند. در حالیکه اعداد و ارقام مربوط به گیلان در حوزه های مختلف در مقایسه با کشور و استان های دیگر خیلی متفاوت است و نشان می دهد که برای کاهش مشکلات استان گیلان باید حرکت شتابداری داشته باشیم.

وی با تاکید مبنی بر ضرورت مشارکت مردم استان برای حل مسایل زیست محیطی گیلان، افزود: اعتباراتی که دولت در این حوزه اختصاص می دهد در واقع به مثابه یک کاتالیزور است و تا زمانی که مردم پای کار مسایل زیست محیطی نیابند امکان ندارد مشکلات این حوزه حل شود. در سال های گذشته برای رفع مشکلات فاضلاب استان گیلان کار شده اما برون داد مطلوبی نداشته که بخشی از آن ناشی از جزیره ای عمل کردن دستگاه های مرتبط است .

وی با اشاره به افزایش قابل توجه بودجه برای ساماندهی فاضلاب شهرهای گیلان، گفت: این وضعیت فاضلاب در شأن مردم فهیم و فرهیخته شهر رشت با آن صبغه فرهنگی و تاریخی نیست. همه باید برای رفع این مشکلات کمک کنیم. سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان نیز طی پنج ماه اخیر چندین بار با آقای دکتر پورمحمدی، معاون محترم رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه و همکارانشان جلساتی برگزار کرده است و خوشبختانه ایشان دستورات خوبی در خصوص بررسی و رفع مشکلات زیست محیطی استان های شمالی از جمله پسماند و فاضلاب صادر کرده اند.



به اعتقاد رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان بدون مشارکت فعال مردم، مسایل زیست محیطی گیلان حل نمی شود. وی با ابراز تاسف از اینکه طی دهه های اخیر حدود ۱۵۵ هکتار از بهترین اراضی جنگلی گیلان به دفن زباله اختصاص یافته است، بر لزوم شفاف سازی و ارایه گزارشات درست و متقن به مسئولان کشوری اشاره کرد تا مشکلات گیلان زیر سرسبزی آن پنهان نماند.

وی با اشاره به حضور پنج ماهه خود در استان گیلان، خاطر نشان کرد: سرسبزی نمای دیگری به گیلان می دهد و موجب می شود مسایل و مشکلات اینجا از دید مسئولان کشوری مغفول بماند و این وظیفه ما است که تصویر واقعی گیلان را ارایه دهیم و با هم افزایی در راستای کاهش مشکلات استان گیلان بکوشیم.

وی با ابراز تاسف از مقایسه وضعیت جایگاه اقتصاد استان های شمالی در سال ۱۳۸۰ با جایگاه اقتصادی این استان ها در سال ۱۴۰۴ که دچار افت شده اند، گفت: در سال ۱۳۸۰، استان های شمالی حدود ۷٫۶ در اقتصاد کشور سهم داشتند که در سال ۱۴۰۴ این میزان روند کاهشی داشته و به ۶٫۸ رسیده است. و این بدین معنی است که مردم گیلان با سیلی صورت خود را سرخ نگه می دارند و به بیان دیگر با فروش زمین کشاورزی یعنی با از دست دادن سرزمین شان، خود را سرپا نگه می دارند و این اصلا زبینه مردم فرهیخته گیلان نیست.

وی با استقبال از برنامه های کمیسیون رودخانه ها و کارگروه های مشابه زیست محیطی در استان گیلان، موضوعاتی را که در چنین کارگروه هایی بررسی می شوند قابل بازنگری و ارزیابی در سازمان مدیریت و برنامه ریزی قلمداد کرد تا در صورت تایید کارشناسی به مراحل اجرایی نیز برسند.

•

گفتنی است در ابتدای این جلسه که با حضور اعضای کمیسیون برگزار شد، خانم تنهایی به اختصار به مباحث مطرح شده در جلسات قبل اشاره کرد و سپس دکتر مجید معصومی، در خصوص استفاده از تجارب پروژه های طبیعت محور در سایر کشورهای دنیا مطالبی ارایه داد. این محقق با اشاره به لزوم پاکسازی رودخانه های رشت، به روش تصفیه فاضلاب با گیاه پالایی، گفت: در خیلی از کشورها با استفاده از این روش ضمن کاهش آلودگی آب، از بستر آب برای کشت محصولات کشاورزی نیز استفاده می کنند. همچنین مهندس جاذب در خصوص مباحث فنی، تجهیزات و تاسیسات مورد نیاز در پروژه

پایلوٹ لوکال تصفیه فاضلاب در جوار گوهر رود (کوچه پتکی رشت) با استفاده از روش های طبیعت محور به مطالبی اشاره کرد. در ادامه حاضران نیز به بیان دیدگاه های خود پرداختند.

•

(لازم به یادآوری است تصفیه فاضلاب با «گیاه پالایی» فرآیندی است که با استفاده از گیاهان سبز «شامل گونه های علفی و چوبی و ...» مواد آلاینده موجود در آب یا فاضلاب کاهش می یابد. از این فرآیند برای حذف آلاینده های محیط زیست نظیر فلزات سنگین و ... استفاده می شود. به بیان دیگر بعضی از گیاهان می توانند بدون اینکه به خود آسیبی بزنند به عنوان فیلترهای زنده عمل کرده و موجب پالایش آب و فاضلاب شوند).





اجرای طرح «دهستان سبز»

در گیلان با الگوی نوین مدیریت پسماند

گیلان فردا- مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند گیلان از اجرای طرح تحولی «دهستان سبز» با هدف مدیریت نوین پسماند در روستاهای این استان خبر داد.

مرتضی عاطفی با اشاره به اجرای طرح تحولی «دهستان سبز»، اظهار کرد: این سازمان با هدف تبدیل روستاهای استان به مناطقی عاری از زباله، در حال پیاده‌سازی الگویی نوین و هماهنگ در سطح دهستان‌ها است که برای نخستین بار در دهستان دهسر بندرکیاشهر اجرا می‌شود.

وی با تأکید بر نقش حمایتی استاندار گیلان در اجرای دقیق این طرح، افزود: این برنامه با حمایت و تأکيدات استاندار گیلان اجرا می‌شود و هدف اصلی آن ایجاد یک چرخه کامل مدیریت پسماند است؛ به گونه‌ای که پس از تفکیک از مبدا و تبدیل زباله‌های تر به کود ورمی کمپوست زباله‌های خشک و قابل بازیافت مجدداً به چرخه تولید بازگشته و پسماندهای غیرقابل بازیافت به مراکز امحا منتقل می‌شوند.

عاطفی با اشاره به تجربه‌های موفق در روستاهای «سالکده» و «لسکوکلايه» در بندرکیاشهر، تصریح کرد: با توجه به نتایج مثبت این روستاها، تصمیم گرفته شد تا طرح به صورت گسترده‌تر و در سطح دهستانی عملیاتی شود تا زنجیره مدیریت پسماند به طور مستقیم به قلب روستاها نفوذ کند.

رئیس سازمان مدیریت پسماند گیلان، مؤلفه‌های اصلی این برنامه را شامل تفکیک زباله از مبدا، تبدیل پسماند تر به کود ورمی کمپوست و خرید آن از روستاییان برشمرد و گفت: اجرای این طرح علاوه بر ایجاد انگیزه اقتصادی برای روستاییان و کمک به اقتصاد پایدار روستا باعث می‌شود دیگر هیچ پسماندی در محیط روستا دفن نشود. عاطفی با تشریح فرآیند تولید کود ورمی کمپوست، ادامه داد: تبدیل زباله تر به کود باکیفیت، و تکثیر ورمی کرم‌ها علاوه بر کمک به تولید محصولات کشاورزی مرغوب‌تر، درآمدهای جدیدی برای آنان ایجاد می‌کند.

رئیس سازمان مدیریت پسماند استان گیلان در پایان با اشاره به ظرفیت بالای پذیرش این الگو در میان جوامع روستایی، خاطرنشان کرد: اجرای نخستین مدل دهستانی مدیریت پسماند در روستای «اشمان دهکا» با محوریت آموزش چهره‌به‌چهره توسط تشکلهای مردمی در حال انجام است و موفقیت این طرح کمک بسزایی برای تبدیل شدن به روستای سبز و عاری از زباله می‌کند.

نگاهی کلی به وضعیت محیط زیست گیلان؛ بخش اول

گیلان؛ خانه مشترک ما که باید دوباره سبز بماند



گیلان فردا، سارا فرزانه* - گیلان در حافظه جمعی ما با جنگل، باران، شالیزار، تالاب و دریای خزر گره خورده است. نام این استان یادآور طبیعتی است که قرن ها به انسان زندگی بخشیده و فرهنگ، اقتصاد و هویت مردم را شکل داده است. اما این تصویر سبز و دل انگیز امروز با چالشهایی رو به رو است که اگر نادیده گرفته شوند، فردای گیلان را دگرگون خواهند کرد.

جنگلهای هیرکانی که از کهنترین جنگلهای جهان به شمار میروند، در اثر تغییر کاربری، ساختوساز، برداشت غیر مجاز و آتش سوزیهای پراکنده تحت فشار قرار دارند. این جنگلها فقط مجموعههای از درختان نیستند؛ بلکه تنظیمکننده آب و هوا، حافظ خاک و زیستگاه صدها گونه گیاهی و جانوری اند.

تالاب انزلی نیز سالها است با رسوبگذاری، ورود فاضلاب، پسماند، گیاهان مهاجم و کاهش کیفیت آب دست و پنجه نرم میکند. کاهش کارکرد طبیعی تالاب نیز تنها یک مسئله زیست محیطی نیست، بلکه معیشت صیادان، گردشگری و تنوع زیستی منطقه را تحت تأثیر قرار میدهد.

رودخانه های گیلان که زمانی شریان های زلال حیات بودند، در بسیاری از نقاط با آلودگی ناشی از فاضلاب شهری، پسماند و پساب رو به رو هستند. این آلودگی در نهایت به دریای خزر میرسد و چرخهای از آسیب را در مقیاسی گسترده تر ایجاد میکند.

مدیریت پسماند همچنان یکی از مهم ترین دغدغه های استان است. افزایش جمعیت، حضور میلیون ها گردشگر و تغییر الگوی مصرف، حجم زباله را افزایش داده است. دفن غیراصولی و تولید شیرابه، آب، خاک و سلامت انسان رابه شدت تهدید می کند.

از سوی دیگر، تغییرات اقلیمی نیز آثار خود را آشکار کرده است. تغییر الگوی بارش، افزایش دما، کاهش تراز آب دریای خزر و تغییر شرایط کشاورزی، زنگ خطری برای آینده استان است .

با وجود این چالشها محیطبانان، پژوهشگران، تشکلهای مردمی، دانشگاهها و شهروندان علاقه مند، و البته بعضی از مدیران آگاه و دلسوز در سالهای اخیر اقدامات ارزشمندی برای حفاظت از طبیعت انجام داده اند.

آموزش کودکان، پاکسازی طبیعت، فرهنگ سازی و مشارکت اجتماعی، سرمایه هایی هستند که میتوانند آینده را تغییر دهند. حفاظت از محیط زیست و پاکیزه نگه داشتن محیط زیست وظیفه همه آحاد جامعه است؛ در هر مقام و جایگاهی . هر شهروند با کاهش مصرف پلاستیک، تفکیک زباله، احترام به جنگل و رودخانه و مسئولیت پذیری در سفر میتواند سهمی در حفظ این میراث گرانبهای طبیعی داشته باشد.

اگر برنامه ریزی علمی، مدیریت یکپارچه و مشارکت مردم در کنار هم قرار گیرد، این سرزمین همچنان میتواند نماد سربیزی کشور باقی بماند. اما اگر طبیعت را سرمایه های پایان ناپذیر تصور کنیم، شاید فردا از آنچه امروز داریم، تنها خاطره های باقی بماند. آینده گیلان به تصمیم های امروز ما وابسته است و حفاظت از این میراث، مسئولیتی است که همه در آن سهیم هستیم.

•

ماهنامه «گیلان فردا» در شماره های آتی خود هر بار یکی از مسائل و چالش های زیست محیطی استان را واکاوی کرده و سعی خواهد کرد ماهانه ضمن بیان مشکلات زیست محیطی استان در حد بضاعت، ریشه ها را نیز مورد بررسی قرار دهد. هر چند بارها از طریق رسانه های مختلف به موضوعات زیست محیطی استان پرداخته شده است .

بی شک گیلان، تنها متعلق به امروز نیست بلکه میراثی است که باید به آیندگان سپرده شود. اگر جنگل، تالاب و دریای این استان آسیب ببیند، چیزی فراتر از یک منظره زیبا را از دست خواهیم داد! چون طبیعت گیلان بخشی از هویت، فرهنگ و زندگی ما و در واقع خانه مشترک ما است که باید دوباره سبز بماند...

* (کارشناس محیط زیست)

آیا هنر می تواند حال جامعه را بهتر کند؟

المان های هنری آراسته شده فضایی دلنشین تر و انسانی تر می آفریند. چنین فضاهایی نه تنها بر روحیه افراد تأثیر می گذارند، بلکه احساس مسئولیت، احترام و امید را نیز در جامعه افزایش می دهند.

امروزه بسیاری از پژوهشگران علوم اجتماعی و روانشناسی نیز بر نقش هنر در کاهش اضطراب، افزایش نشاط اجتماعی و تقویت سلامت روان تأکید دارند. هنر فرصتی فراهم می کند تا انسان برای لحظاتی از هیاهوی زندگی فاصله بگیرد، با خود خلوت کند و جهان را از زاویه ای متفاوت ببیند. این تجربه، سرمایه ای ارزشمند برای ساختن جامعه ای آرامتر و مهربانتر است.

بنابراین، اگرچه هنر به تنهایی همه مشکلات جامعه را حل نمی کند، اما می تواند روح جامعه را زنده نگه دارد. جامعه ای که برای هنر ارزش قائل است، برای خلاقیت، گفت و گو، زیبایی و انسان نیز ارزش بیشتری قائل خواهد بود. شاید هنر نتواند یک شبه جهان را تغییر دهد، اما بی شک می تواند انسان هایی تربیت کند که جهان را بهتر از دیروز بسازند.

(از این پس سعی خواهیم کرد در مجله «گیلان فردا» با طرح این سوال کلی که هنر چه جایگاهی در زندگی روزمره دارد، با پرداختن به کلیاتی از هنرهای مختلف «کلاسیک و مدرن»، نقش هنر را به لحاظ اجتماعی-روانشناختی-اقتصادی در زندگی روزمره مورد بررسی قرار دهیم.)

گیلان فردا، ساناز فرزانه-در روزگاری که زندگی با شتاب، فشارهای اقتصادی، دغدغه های اجتماعی و حجم انبوهی از اخبار تلخ همراه شده است، انسان بیش از هر زمان دیگری به روزنه ای برای آرامش و امید نیاز دارد. یکی از این روزنه ها، هنر است؛ پدیده های که از دیرباز همدم انسان بوده و همواره راهی برای بیان احساسات، اندیشه ها و آرزوهای او فراهم کرده است.

به نظر کارشناسان، هنر فقط وسیله ای برای خلق زیبایی نیست، بلکه می تواند کیفیت زندگی فردی و اجتماعی را نیز ارتقا دهد. شاید یک تابلوی نقاشی نتواند مشکلات اقتصادی را حل کند، یک قطعه موسیقی نتواند اختلافات اجتماعی را از میان بردارد یا یک نمایشنامه نتواند همه آسیب های فرهنگی را درمان کند؛ اما هنر این توانایی را دارد که نگاه انسان را تغییر دهد.

هنر، زبان مشترک انسان ها است؛ زبانی که مرز، قومیت، جنسیت، سن و حتی زبان گفتاری را پشت سر می گذارد. وقتی مردم در یک کنسرت، نمایشگاه، جشنواره یا تئاتر کنار یکدیگر قرار می گیرند، تجربه ای مشترک را زندگی می کنند. همین تجربه های مشترک، حس تعلق، همدلی و گفت و گو را تقویت می کند؛ عناصری که هر جامعه ای برای حفظ انسجام خود به آن ها نیاز دارد.

از سوی دیگر، حضور هنر در زندگی روزمره، روحیه خلاقیت را تقویت می کند. خانه ای که با یک اثر هنری جان گرفته، شهری که دیوارهایش با نقاشی های زیبا و

ونزوئلا چندین روز پس از زلزله؛ بیش از ۲ هزار کشته و ۱۱ هزار زخمی

وقتی طبیعت قدرت خود را نشان می دهد



گیلان فردا- باز هم یک داستان تلخ و اسفبار و از دست دادن انسان های بیشماری که در زلزله گرفتار شدند... امیدوارم هیچ وقت شاهد خسارت های ناشی از زلزله نباشیم، اما آگاهی و آمادگی همیشه بهترین راه کاهش آسیب ها است. هنوز زلزله رودبار را از یاد نبرده ایم ...

۲۶ سال پیش در چنین ایامی و همزمان با پخش بازی های جام جهانی فوتبال در ساعت ۰۰:۳۰ بامداد پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ شمسی (۲۰ ژوئن ۱۹۹۰ میلادی) زلزله ای به بزرگی ۷,۳ در عمق ۱۹ کیلومتری از سطح زمین در ناحیه رودبار-منجیل در منطقه البرز به وقوع پیوست.

براساس اطلاعات موجود این اتفاق موجب کشته شدن حدود ۳۵۰۰۰ نفر و زخمی شدن ۶۰۰۰۰ نفر شد و حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر را بی خانمان ساخت. بر اثر زلزله رودبار، صد هزار خانه خشتی و گلی با خاک یکسان و یا متحمل خسارت عمده شدند. در مجموع، بیش از ۲۰۰۰۰۰ خانه مسکونی تخریب شدند و خسارات عمده ای به تاسیسات و اماکن عمومی در استان های گیلان و زنجان وارد آمد.

این بار نیز همزمان با پخش بازی های جام جهانی فوتبال در ۲۴ ژوئن ۲۰۲۶ (۳ تیر ماه) ساعت ۱۸:۰۴ به وقت محلی، شمال غرب ونزوئلا لرزید و ۳۹ ثانیه بعد زمین لرزه دیگری رخ داد که اولی را تقویت کرد.

یک هفته پس از وقوع دو زلزله شدید در ونزوئلا، تلاش ها برای نجات بازماندگان و کمک به آسیب دیدگان همچنان ادامه دارد. این فاجعه تاکنون بیش از ۲ هزار کشته و ۱۱ هزار زخمی بر جای گذاشته است.

•

به نقل از عصر دنا، ونزوئلایی‌ها روز چهارشنبه با کمک تیم‌های تخصصی از کشورهای مختلف، به جست‌وجوی بازماندگان زیر آوار ساختمان‌های تخریب شده ادامه دادند. این دو زلزله تاکنون بیش از دو هزار کشته بر جا گذاشته و هزاران نفر نیز همچنان مفقود هستند.

ده‌ها هزار نفر از بازماندگان با کمبود غذا و سرپناه روبه‌رو هستند. با این حال، عملیات جست‌وجو در ده‌ها ساختمان مسکونی ویران‌شده ادامه دارد و تاکنون جان شماری از افراد، نجات یافته است.

یک کودک سه ساله روز سه‌شنبه از زیر آوار در شهر کاراکاس زنده بیرون آورده شد. این خبر را یک تیم امداد اردنی اعلام کرد. این نجات شش روز پس از وقوع شدیدترین زمین‌لرزه ونزوئلا در بیش از یک قرن گذشته انجام شد.

«لویس آرتیگا بیناتوئل» عضو یک گروه امداد اسپانیایی، پس از ورود به ونزوئلا در روز چهارشنبه گفت: «ما دیر رسیدیم، خیلی دیر رسیدیم. اما هدف ما ادامه نجات جان انسان‌هاست و می‌خواهیم افرادی را که هنوز زیر آوار گرفتار هستند، نجات دهیم».

تیم‌های امدادی پس از پایان ۷۲ ساعت طلایی برای زنده ماندن افراد گرفتار زیر آوار وارد منطقه شدند. همزمان، کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان اعلام کرد کمبود غذا در شهر ساحلی «لا گوایرا» که به شدت آسیب دیده، گسترده است.

لیا بوجیو، رئیس دفتر سازمان بین‌المللی مهاجرت در ونزوئلا، گفت: «اوضاع بسیار بحرانی است».

دو زمین‌لرزه با قدرت ۷٫۲ و ۷٫۵ ریشتر در ۲۴ ژوئن ۲۰۲۶ (۳ تیر ۱۴۰۵) رخ دادند. این دو زلزله از بدترین فجایع لرزه‌ای تاریخ آمریکای لاتین به شمار می‌روند. این زمین‌لرزه‌ها باعث فرو ریختن کامل مجتمع‌های مسکونی شدند. پس از آن، عملیات گسترده جست‌وجو و نجات برای یافتن افراد گرفتار آغاز شد.

«دلسی رودریگز» رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا، به دنبال وقوع زلزله، ۷ روز عزای عمومی برای قربانیان این دو زمین‌لرزه اعلام کرد.

خورخه رودریگز، رئیس مجلس ملی (پارلمان) ونزوئلا، اعلام کرد شمار قربانیان به ۲۲۹۵ نفر رسیده است. او افزود بیش از ۱۱ هزار نفر نیز در این فاجعه زخمی شده‌اند.

رودریگز پیش‌تر گفته بود حدود ۶۵۰۰ نفر در شهر لا گوایرا نجات یافته‌اند. اما اکنون برآورد می‌شود این رقم به حدود ۲۰ هزار نفر برسد. این آمار شامل کسانی است که خود موفق به فرار شدند یا با کمک اعضای خانواده نجات یافتند.

بسیاری از مردم ونزوئلا ناراضیتی خود را از کندی واکنش دولت به این فاجعه پنهان نکردند. این کشور سال‌هاست با بحران اقتصادی روبه‌رو است؛ بحرانی که زیرساخت‌ها و خدمات درمانی را به شدت تضعیف کرده است.



سازمان ملل اعلام کرد برای گسترش کمک‌های بشردوستانه و تأمین سرپناه موقت برای ۳۰ هزار نفر در مدت ۶ ماه، به حدود ۱۴٫۸۵ میلیون دلار بودجه نیاز دارد.

بر اساس برآوردهای اولیه تصاویر ماهواره‌ای ناسا، احتمال می‌رود ۵۸ هزار و ۸۷۰ ساختمان در این زمین‌لرزه‌ها تخریب شده یا آسیب جدی دیده باشند.

در حالی که هزاران نفر به کمک نیاز دارند، کریستین لیندمایر، سخنگوی سازمان جهانی بهداشت، گفت خدمات درمانی ونزوئلا با «فشار بسیار سنگین» روبه‌رو است.

او هشدار داد خطر شیوع بیماری‌هایی که با واکسن قابل پیشگیری هستند، مانند سرخک و دیفتی، افزایش یافته است. دلیل این موضوع کاهش نرخ واکسیناسیون پیش از وقوع زمین‌لرزه عنوان شده است.

در حالی که تیم‌های امدادی از آمریکا، مکزیک و ده‌ها کشور دیگر با استفاده از سگ‌های زنده‌یاب و تجهیزات سنگین به جست‌وجوی بازماندگان ادامه می‌دهند، مردم ونزوئلا دفن جان‌باختگان خود را آغاز کرده‌اند.

برخی دیگر نیز با دستان خود، با ناامیدی، در میان آوار، بیمارستان‌ها و سردخانه‌ها به دنبال بستگان مفقودی می‌گردند. دارفین سیلوا، ۳۷ ساله، از تلاش خود برای رسیدن به پیکر مادرش گفت. مادر او زیر یک ستون در ساختمان فرو ریخته جان باخته بود.

او گفت: «تلاشی که برای بیرون آوردن جنازه مادرم با دستان خالی، پتک و تبر انجام دادم، حتی قابل تصور هم نیست.» «امیدوارم حالا بتوانم آرامشی را که شایسته‌اش بود، برای او فراهم کنم.»

سازمان ملل اعلام کرد هنوز حدود ۵۰ هزار نفر در فهرست مفقودان قرار دارند.

«تیبسای مندر» شهروند ونزوئلایی نیز در ویدئویی در تیک‌تاک گفت: «این افراد خارجی هستند که به ما کمک می‌کنند.» او افزود: «پلیس و مقام‌هایی که به محل حادثه آمده‌اند، فقط عکس می‌گیرند».

وزارت دادگستری ونزوئلا اعلام کرد چهار مأمور پلیس به اتهام غارت در مناطق زلزله‌زده بازداشت شده‌اند. این اقدام پس از انتشار ویدئویی انجام شد که آنها را هنگام ارتکاب جرم نشان می‌داد.

یوهانا آلوارز شهروند ونزوئلایی گفت: «در ابتدا اوضاع خوب پیش می‌رفت، اما بعد شرایط بدتر شد. سربازان ابتدا غذا را برای خودشان برمی‌داشتند و فقط مقدار کمی برای ما باقی می‌گذاشتند».

آمریکا اعلام کرد حدود ۷ میلیون نفر در ونزوئلا از پیامدهای این فاجعه تأثیر خواهند پذیرفت.

برآوردها نشان می‌دهد خسارت اقتصادی این دو زمین‌لرزه به ۶,۷ میلیارد دلار رسیده است. این رقم معادل ۶ درصد تولید ناخالص داخلی ونزوئلا است.

به گفته جانلوکا تیندارو، هماهنگ‌کننده سازمان ملل در ونزوئلا، ۲۷ کشور بیش از ۴۰ تیم امداد و نجات به این کشور اعزام کرده‌اند. این نیروها شامل بیش از دو هزار امدادگر و نظامی و همچنین بیش از ۱۶۰ سگ آموزش‌دیده هستند.

ژنرال فرانسیس دونوان، فرمانده فرماندهی نظامی آمریکا در آمریکای لاتین و حوزه کارائیب (ساوئکام)، روز چهارشنبه گفت: «حدود ۲ هزار آمریکایی در عملیات امداد و نجات مشارکت دارند».

دولت پرتغال نیز روز یکشنبه را عزای ملی اعلام کرد. این تصمیم برای ادای احترام به قربانیان زمین‌لرزه گرفته شد. در میان جان‌باختگان دست‌کم ۷۰ شهروند پرتغالی یا افراد دارای ریشه پرتغالی حضور دارند و شمار مشابهی نیز همچنان مفقود هستند.

در تنها گورستان عمومی شهر کاراکاس، دو کوره سوزاندن اجساد با تمام ظرفیت در حال فعالیت هستند.

در سردخانه موقت بندر لا گوایرا نیز بسیاری از خانواده‌ها همچنان منتظر شناسایی بقایای بستگان خود هستند.

ویلکر مولالا شهروند ونزوئلایی به خبرگزاری فرانسه گفت: «خانواده‌ام آنجاست. به من گفته‌اند خواهرم و فرزندانش آنجا هستند، همچنین فرزندان برادرم».

او افزود: «خانواده ما ۱۱ نفر بود. فقط دو نفر از ما زنده ماندیم، چون هنگام وقوع زلزله سر کار بودیم».

اکنون بر روی بسیاری از ساختمان‌های شهر لا گوایرا حرف «D» اسپری شده است. این علامت بر اساس پروتکل بین‌المللی عملیات جست‌وجو و نجات، نشان‌دهنده وجود جان‌باختگان در آن ساختمان است؛ نشانه‌ای که برای خانواده‌های مفقودان، پایان امید به زنده یافتن عزیزانشان محسوب می‌شود.

(عکس‌ها از اینترنت)

هفت هزار کارمند شاغل در ۶۱ دستگاه مورد پژوهش تا پایان برنامه هفتم بازنشته می شوند

گیلان فردا- تحلیل وضعیت نیروی انسانی دستگاه‌های اجرایی استان گیلان در بازه زمانی ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴، در قالب اینفوگرافی در معاونت توسعه مدیریت و نوسازی اداری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان انجام شده است.

علیرضا نورانی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان با اشاره به اینفوگرافی تهیه شده در گفت و گوی خبری با رسانه ها گفت: این اینفوگرافی تصویری از روند تغییرات سرمایه انسانی دولت در استان ارائه می‌دهد؛ روندی که در کنار کاهش تعداد کارکنان، بر ضرورت برنامه‌ریزی برای مدیریت بازنشتگی، جانشین‌پروری و جذب نیروهای متخصص تأکید دارد.

وی ادامه داد: بر اساس این تحلیل که وضعیت ۶۱ دستگاه اجرایی استان را بررسی کرده است، در سال ۱۴۰۴ تعداد کارکنان دستگاه‌های اجرایی استان به ۵۱ هزار و ۲۸۵ نفر رسیده است. بررسی روند شش‌ساله نشان می‌دهد تعداد

کارکنان پس از افزایش تا سال ۱۴۰۱، طی سه سال اخیر روندی کاهشی داشته است.

وی افزود: بر پایه این گزارش، میانگین سن کارکنان ۴۴ سال و میانگین سابقه خدمت آنان ۱۴ سال است. همچنین بخش قابل توجهی از کارکنان در بازه سنی ۳۱ تا ۵۰ سال قرار دارند که بیانگر ضرورت برنامه‌ریزی برای حفظ پویایی سرمایه انسانی در سال‌های آینده است.

نورانی تصریح کرد: از سوی دیگر، برآوردها نشان می‌دهد حدود هفت هزار نفر از کارکنان تا پایان برنامه هفتم پیشرفت به سن بازنشتگی خواهند رسید. این موضوع اهمیت انتقال دانش و تجربه کارکنان باسابقه و اجرای نظام جانشین‌پروری را دوچندان می‌کند.

به گفته وی در حوزه ترکیب جنسیتی نیز فاصله میان تعداد کارکنان زن و مرد نسبت به سال ۱۳۹۹ کاهش یافته و اکنون ۵۱ درصد کارکنان را مردان و ۴۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند؛ موضوعی که بیانگر حرکت به سمت تعادل بیشتر در ترکیب نیروی انسانی است.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان با اشاره بر اینکه بر اساس این گزارش، ۸۷ درصد کارکنان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند و بیشترین سهم تحصیلی به مدرک کارشناسی اختصاص دارد، گفت: از نظر وضعیت استخدامی نیز ۶۹ درصد کارکنان رسمی، ۱۶ درصد پیمانی و ۱۵ درصد قراردادی هستند.

نورانی با بیان اینکه سرمایه انسانی مهم‌ترین سرمایه هر سازمان به شمار می‌رود، خاطر نشان کرد: بهره‌گیری از داده‌های تحلیلی در برنامه‌ریزی منابع انسانی، می‌تواند زمینه ارتقای بهره‌وری، پایداری خدمات و افزایش کارآمدی دستگاه‌های اجرایی استان را فراهم سازد.

لازم به ذکر است در بخش پیشنهادهای راهبردی این گزارش، بر جذب و نگهداشت نیروهای جوان و متخصص، استقرار نظام جانشین‌پروری و پرورش مدیران آینده، مدیریت موج بازنشتگی، انتقال دانش و تجربه کارکنان باسابقه، ارتقای انگیزش کارکنان و توسعه آموزش‌های مهارتی و مدیریتی تأکید شده است.

سه تحلیل درباره علت حملات اخیر آمریکا به جنوب ایران



گیلان فردا- در هفته اخیر شاهد حملات موشکی آمریکا به جنوب کشور بوده ایم و متأسفانه تنی چند از هموطنان عزیزمان شهید شدند. سربازان بی گناه و بی دفاعی که در پادگان بودند و مردم بی دفاع و بی گناهی که مشغول امور روزمره بودند در تیررس حملات موشکی قرار گرفتند و به زیرساخت های چندین شهر و جزایر جنوبی کشور از جمله پل ها، برج مراقبت و ... خسارت زیادی وارد آمد .

اما چرا تفاهم نامه ۱۴ بندی آمریکا و ایران که ۶۰ روز زمان داشت، زیر پا گذاشته شد و هدف از این حملات چیست؟ به نقل از عصر ایران حملات آمریکا به جنوب ایران، جدی تر از قبل دنبال می شود و با کنار هم قرار دادن نقاط مورد هدف و برخی تحولات سیاسی، می توان سه فرض را در تحلیل چرایی حملات اخیر بررسی کرد:

۱- اولین تحلیل قابل تصور این است که آمریکا این حملات را با این هدف کلاسیک انجام می دهد که با دست بالاتری در مذاکرات آتی حضور داشته باشد و امتیازات بیشتری از تهران بگیرد.

پاسخ های سریع و جدی ایران نیز به این حملات دقیقاً با هدف مشابه صورت می گیرد. در واقع، طرفین در حال پر کردن مشت خود برای حضور در رینگ مذاکرات هستند.

این خوش بینانه ترین تحلیل درباره حملات اخیر است.

۲-تحلیل دیگر این است که تفاهم نامه اسلام آباد عملاً از بین رفته و ایران و آمریکا در موضع جنگی قرار گرفته اند و این حملات، مقدمه یک جنگ بزرگ تر و تمام عیار است .

بر اساس این تحلیل، آمریکا می کوشد با حملات هدفمند به مواضع نظامی ایران در جنوب کشور و نیز ایجاد اختلال در مسیرهای جنوب به شمال، دسترسی نظامی ایران به تنگه هرمز و خلیج فارس را محدود کند. حملات متعدد به یگان های دریایی، برج ها و تاسیسات مراقبت دریایی، شناورها، یگان های نظامی در جنوب و برخی پل های ارتباطی، در این راستا قابل ارزیابی است.

در گامی فراتر، حملات آمریکا به خط دفاعی جنوب، می تواند مقدمه ای برای اشغال جزیره استراتژیک خارک از سوی آمریکا باشد، امری که بسیار مورد علاقه شخص ترامپ است ولی از بیم تلفات گسترده انسانی، تا کنون موفق به اجرای آن نشده است .

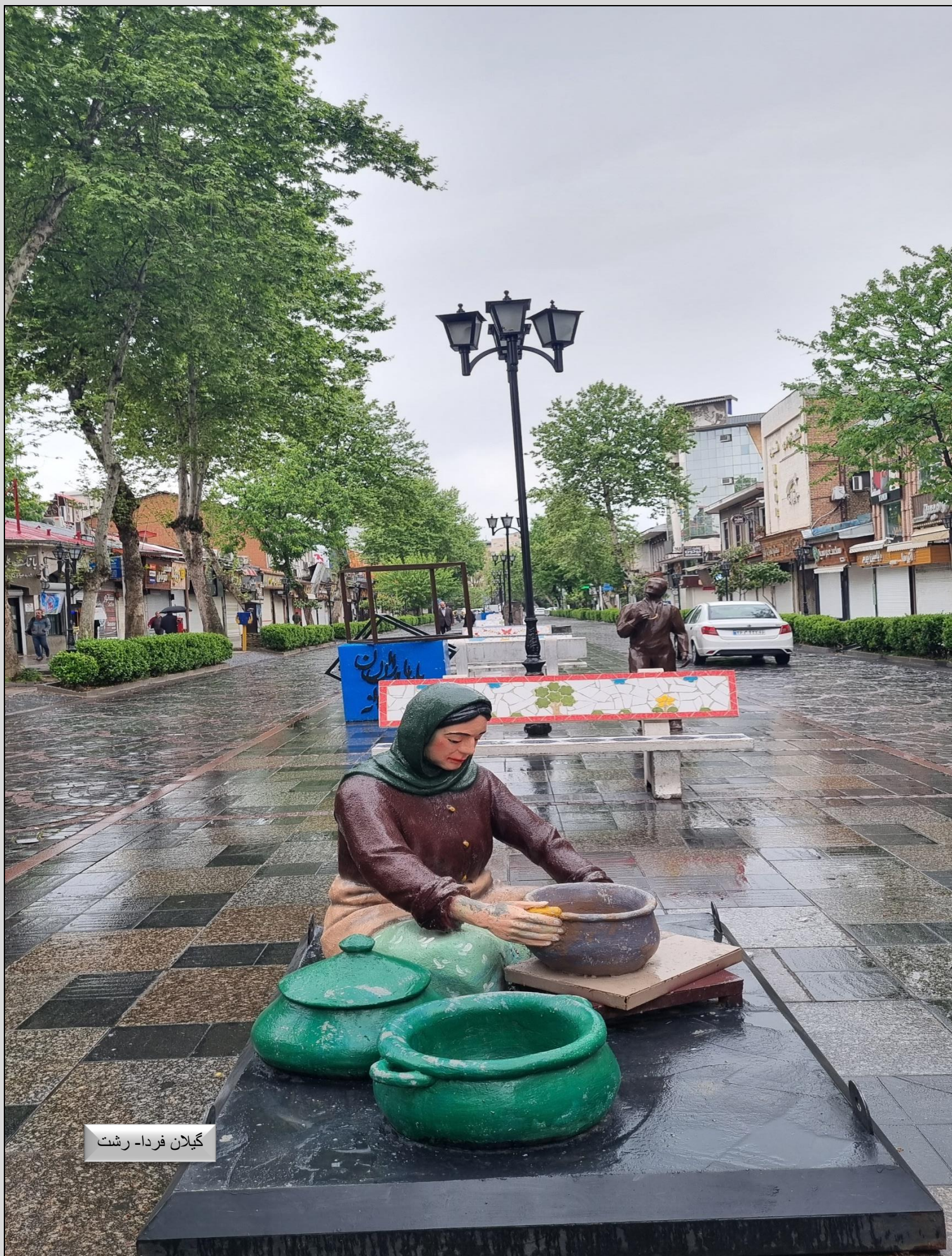
در این تحلیل، حتی می توان پروژه پیاده سازی نیروهای دشمن در جنوب ایران را هم متصور شد که هرچند بسیار پر ریسک است ولی نباید از احتمال وقوع آن غافل شد.

۳-سناریوی سوم، کمی پیچیده تر است و آن، جلب توجه و تمرکز قوای دفاعی ایران به جنوب کشور است تا احزاب مسلح و تجزیه طلب کردی - که سال هاست در شمال عراق در آب نمک خوابانده شده اند- در اقدامی غافلگیر کننده، وارد استان های آذربایجان غربی و کردستان شوند و دست به اقدامات تروریستی و اشغال برخی مناطق مرزی بزنند و همزمان، هسته های خفته آن ها در داخل کشور، فعال شوند و شرارت کنند.

هر چند که گروه های تروریستی کردی در میان کردهای ایرانی، پایگاه اجتماعی عمیق و گسترده ای ندارند ولی برخی گزارش ها حاکی از آن است که هزاران جنگجوی کرد در شمال عراق مترصد فرصت و چراغ سبز ترامپ هستند تا با حمله به ایران، پروژه تجزیه کشور در راستای شکل دهی به کردستان بزرگ را پی بگیرند.

هر کدام از این سه سناریو که به واقعیت نزدیک تر باشند، در اصل این که خطری بزرگ ایران را تهدید می کند، تردیدی نیست و تقویت میدان و دیپلماسی و حذف تندروها از مدار تصمیم سازی ها برای رسیدن به وحدت ملی، تنها راه های پیش روی ایران برای عبور از این گردنه خطرناک تاریخی است.

(عکس ها از اینترنت-عکس اصلی از مرتضی آخوندی)



گیلان فردا- رشت